



## «انقلابی خندان» در ایتالیا؛

## روایتی ایرانی از رهبر شهید انقلاب در بازار نشر این کشور

مخاطبان ایتالیایی در فضای مجازی دنبال کرده‌اند.

زندگی و شخصیت رهبر شهید انقلاب اسلامی، این‌بار از مسیر یک اثر مکتوب و به زبان مخاطبان ایتالیایی روایت شده است.

برگزاری مراسم معرفی کتاب در رم، نمایش یک فیلم ایرانی در کنار این برنامه و تلاش برای ایجاد ارتباط مستقیم با خوانندگان ایتالیایی، نشان می‌دهد که این انتشار صرفاً به ترجمه و چاپ اثر محدود نمانده و با برنامه‌هایی برای معرفی محتوای آن به مخاطبان اروپایی همراه شده است.

در چنین شرایطی، انتشار روایت‌هایی درباره زندگی رهبر انقلاب در زبان‌های اروپایی می‌تواند زمینه ورود تاریخ انقلاب اسلامی ایران به فضای گفت‌وگوی فرهنگی خارج از کشور را فراهم کند.

با این حال، قرار گرفتن یک روایت ایرانی از زندگی رهبر شهید انقلاب در فهرست ناشران و کتاب‌فروشی‌های ایتالیا و برگزاری یک برنامه فرهنگی برای معرفی آن در شهر رم، از شکل‌گیری تلاشی مشخص برای عرضه این روایت در فضای فرهنگی اروپا حکایت دارد؛ تلاشی که میزان دامنه و ماندگاری آن را باید در ادامه مسیر انتشار و واکنش مخاطبان ایتالیایی سنجید و به نسبت آن کنشگری کرد.

**محمد محمدی افران**

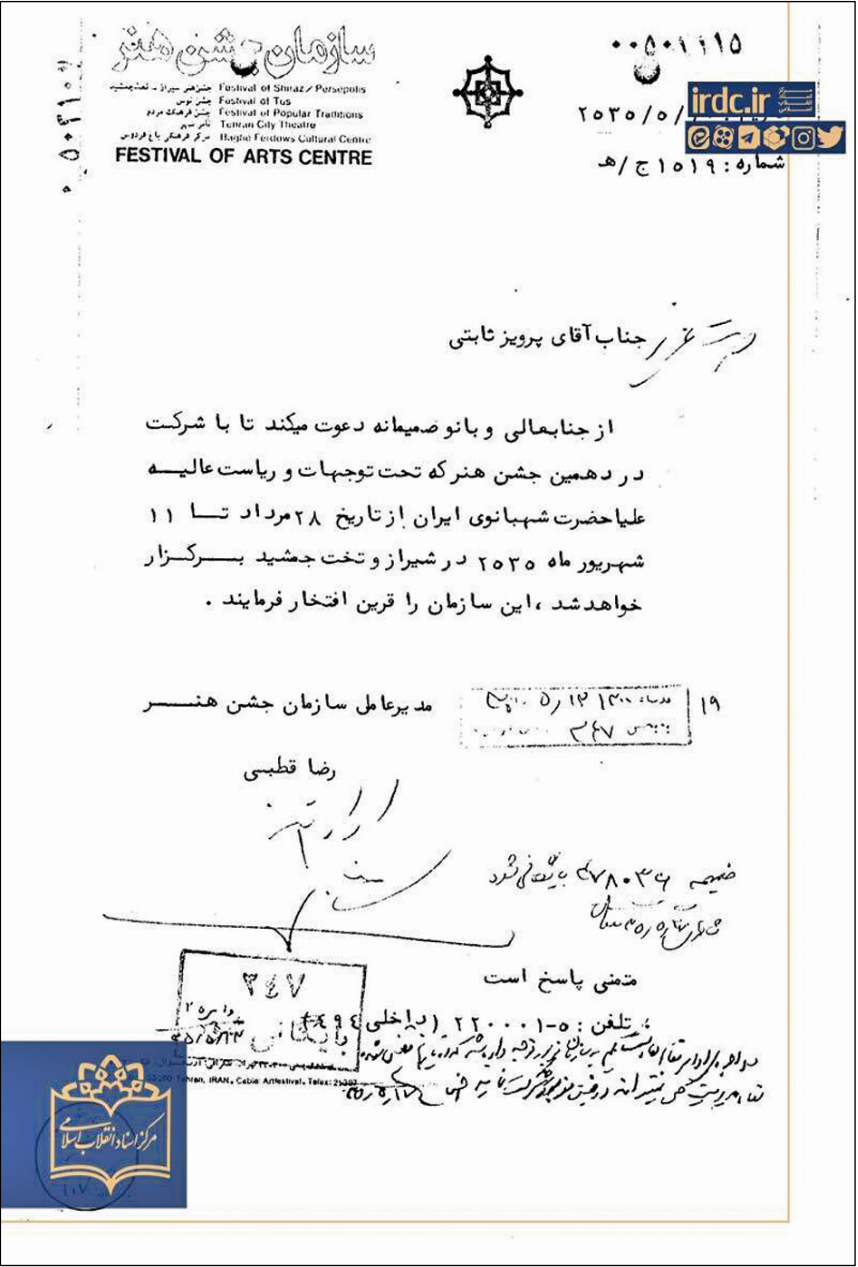


ایسن اثر ویدئو تهیه و آن را در شبکه‌های اجتماعی منتشر کنند. ناشر و نهادهای مرتبط با معرفی اثر، برنامه‌ای برای معرفی آن به

برای معرفی کتاب به مخاطبان ایتالیایی، کمپینی نیز در شبکه‌های اجتماعی راه‌اندازی شده که از خوانندگان خواسته است درباره

**نماد سرکوب در جشن فرهنگی**

## دعوت فرج از پرویز ثابتی برای شرکت در جشن هنر شیراز

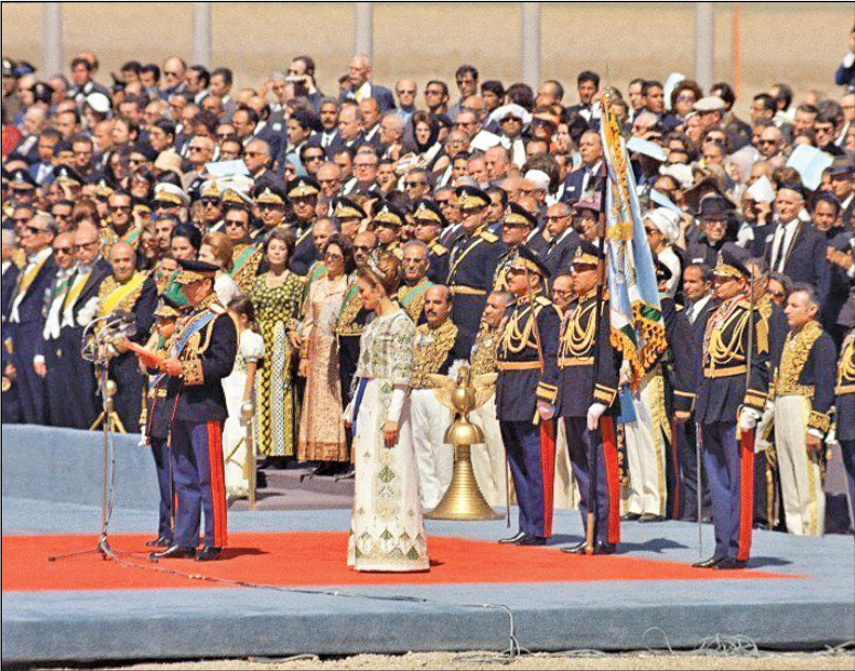


هر صدای مخالف تبدیل شده بودند. این اسناد که حاوی درخواست‌های صریح برای دعوت از پرویز ثابتی، قائم‌مقام ساواک و یکی از چهره‌های اصلی جنایت رژیم، به این رویداد هستند، نشان می‌دهند که این جشن‌ها بیش از آنکه پناگاهی برای هنرمندان باشند، سنگرگاهی برای سرکوب‌کنندگان و حامیان دیکتاتوری بوده‌اند.

این قریب، که با دقت تمام طراحی شده بود، نه تنها هنر را به خدمت اهداف سیاسی درآورد، بلکه با دعوت از ثابتی، که نمادی از خشونت و شکنجه بود، به اوج خود رسید.

این اقدام، که به وضوح در اسناد منعکس شده، نشان‌دهنده عمق تبانی رژیم با نهادهای سرکوبی است. جشن‌هایی که قرار بود نام ایران را در عرصه جهانی بدرخشاند، در حقیقت به ابزاری برای پنهان کردن خفقان و جنایات تبدیل شدند. حضور ثابتی، که به عنوان یکی از مسئولین اصلی سرکوب مخالفان سیاسی، از روشنفکران و فعالان گرفته تا عامه مردم، شناخته می‌شد، این رویداد را از یک برنامه فرهنگی به مکانی برای حضور نماد سرکوب بدل کرد. این تناقض، که در دل ادعاهای زیبا و پرطمطراق نهفته بود، نشان می‌دهد که هدف اصلی این جشنواره، نه ترویج هنر، بلکه تثبیت سلطه و پنهان‌سازی واقعیت‌های تلخ پشت درهای بسته بوده است. این رویداد، که با هزینه‌های کلان برگزار می‌شد، عملاً از مردم دور نگه داشته شده بود و تنها به ابزاری برای جلب نظر غرب و تثبیت جایگاه رژیم تبدیل شد. محل تحلیل و پرسش است که دعوت از پرویز ثابتی می‌تواند برآمده از انگیزه‌های مهمی چون تظہیر چهره‌های منفور ساواکی و یا حتی رصد امنیتی فعالیت هنرمندان باشد.

**پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی**



به عنوان نمادی از پیشرفت فرهنگی و پیوند میان سنت و مدرنیته معرفی شد. با این حال، این جلوه ظاهری تنها یک نقاب بود که بر چهره‌ای زشت و پنهان از سرکوب و دیکتاتوری پهلوی کشیده شده بود. حضور هنرمندانی برجسته چون جریز گروتسکی، کارگردان برجسته لهستانی، و موریس بزار، رقصنده و کارگردان فرانسوی، که نام‌های بزرگی در عرصه هنر جهانی بودند، به این رویداد اعتبار ظاهری بخشیده بود.

اجراهای متنوع، از نمایش‌های آوانگارد تا آثار سنتی، گویی پیام‌آور آزادی بیان و خلاقیت بودند. اما این برتری ظاهری، تنها پوسته‌ای نازک بود که بر عمق یک واقعیت تلخ پوشانده شده بود. مطابق با اسناد، این جشن‌ها، به جای آنکه فضایی برای شکوفایی هنر باشند، به سنگر محکمی برای تثبیت اقتدار رژیم و سرکوب

حضور پرویز ثابتی، که به عنوان یکی از مسئولین اصلی سرکوب مخالفان سیاسی، از روشنفکران و فعالان گرفته تا عامه مردم، شناخته می‌شد، جشن هنر شیراز در سال ۱۳۵۵ را از یک برنامه به‌ظاهر فرهنگی به مکانی برای حضور نماد سرکوب بدل کرد. این دعوت می‌تواند برآمده از انگیزه‌های مهمی چون تظہیر چهره‌های منفور ساواکی و یا حتی رصد امنیتی فعالیت هنرمندان باشد.

جشن‌های هنر شیراز، که از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۶ شمسی (۱۹۶۷ تا ۱۹۷۷ میلادی) در نیمه دوم شهریورماه هر سال در شهر تاریخی شیراز و در سایه باستانی تخت جمشید برگزار می‌شد، به ظاهر فرهنگی بود برای به نمایش گذاشتن شکوه فرهنگ و هنر ایران در برابر دیدگان جهانیان. این رویداد، که با تبلیغات گسترده و حمایت رسمی فرح پهلوی همراه بود،



نمایشگاه «مدرسه میناب» با ۱۹ اثر از ۱۹ هنرمند در تهران برپا شده است؛ مجموعه‌ای که نقاشان معاصر ایران در آن به سراغ دانش‌آموزان و معلمان شهید مدرسه شجره طیبه رفته‌اند و تلاش کرده‌اند واقعه میناب را از حافله خبری به فضای هنرهای تجسمی منتقل کنند.

چند ماه از حمله وحشیانه آمریکایی‌ها به مدرسه شجره طیبه میناب گذشته است و روایت آن در عرصه‌های مختلف فرهنگی و هنری ادامه دارد. تازه‌ترین نمونه، نمایشگاه گروهی «مدرسه میناب» است که از ۶ شهریور در گالری خانه حوزه هنری برپا شده و تا ۳۱ شهریور ادامه دارد؛ نمایشگاهی که ۱۹ هنرمند در آن هر کدام با یک اثر تازه، روایتی تصویری از دانش‌آموزان و معلمان این مدرسه ارائه کرده‌اند. نام‌های شناخته‌شده‌ای از هنرهای تجسمی در میان هنرمندان این نمایشگاه دیده می‌شود؛ از بهزاد شیشه‌گران، غلامعلی طاهری، کاظم چلیپا و مصطفی گوردوزی تا عبدالحمید قدیریان، سیدمسعود شجاعی طباطبایی، سیدعلی میرفتح و جمشید حقیقت‌شناس.

در فضای نمایشگاه، ۱۹ تابلو با ۱۹ نگاه متفاوت در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند؛ قرار نبوده همه هنرمندان یک تصویر واحد از حادثه میناب ارائه کنند. هر نقاش از زاویه خود به سیراق موضوع رفته است. در میان آثار، تابلوهایی از کاظم چلیپا قرار دارد که حمیدرضا جعفری، مدیر ارتباطات و رسانه مؤسسه فرهنگی هنری «تام»، آن را یکی از شاخص‌ترین آثار مجموعه توصیف کرده و از ترکیب بهت، اندوه و استواری در آن سخن گفته است. در کنار این اثر، آثار هنرمندانی از نسل‌ها و جریان‌های مختلف هنر معاصر ایران قرار گرفته تا نمایشگاه از نظر شیوه و نگاه بصری نیز یکدست و تکرارنیابند. یکی از آثار متفاوت این مجموعه متعلق به سیروس مقدم است؛ کارگردان سینما و تلویزیون که این بار با یک نقاشی در نمایشگاه حاضر شده است. موضوع اثر او «ماکان» است. در مقابل، برخی هنرمندان به سراغ معلمان شهید مدرسه رفته‌اند و برخی دیگر دختران دانش‌آموز شهید را موضوع نقاشی خود قرار داده‌اند.

اما در میان ۱۹ تابلو، چیزی قرار گرفته که اساسا نقاشی ندارد: یک بوم سفید. این «بوم دیگه» برای نمایش جای خالی هنرمندانی در نظر گرفته شده که با وجود همدلی با کودکان میناب، امکان حضور در نمایشگاه را پیدا نکرده‌اند. بر گزار کنندگان می‌گویند پس از اعلام برگزاری نمایشگاه، شماری از هنرمندان ایرانی خارج از کشور نیز برای ارسال آثار خود اعلام آمادگی کرده‌اند. به این ترتیب، ۱۹ اثر موجود در گالری در کنار یک بوم سفید قرار گرفته‌اند.

برگزاری «مدرسه میناب» تنها اقدام هنری درباره این حادثه نیست. پیش از آن، نمایشگاه «متممه‌های بی‌صدا» در گالری فکه موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس برگزار شد و آثاری با موضوع شهدای دانش‌آموز مدرسه شجره طیبه و جنگ تحمیلی سوم را به نمایش گذاشت. این نمایشگاه از ۲۳ خرداد به مدت یک هفته برپا بود. در ادامه همین جریان، جلیل رسولی نیز اثری را برای شهدای کودک میناب خلق کرد. رونمایی از این اثر با یاد ماکان تصویر، دانش‌آموز شهید مدرسه شجره طیبه، همراه شد. این نمایشگاه در روزهای ابتدایی برگزاری، میزبان مقام‌های دولتی نیز بوده است. سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه، در مراسم افتتاحیه حضور داشت و درباره ظرفیت هنر برای انتقال روایت حادثه سخن گفت. چند روز بعد، سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، از نمایشگاه بازدید کرد و بر ضرورت ماندگار شدن واقعه میناب در حافظه تاریخی تأکید کرد. از نگاه بر گزار کنندگان، نقاشی‌های این مجموعه می‌توانند بخشی از روایت تصویری ایران از حادثه مدرسه میناب باشند.



آنچه اکنون در گالری خانه حوزه هنری دیده می‌شود، در واقع ادامه مسیری است که چند ماه پیش آغاز شد. «مدرسه میناب» تا ۳۱ شهریور ادامه دارد و ۱۹ اثر از ۱۹ هنرمند را در معرض دید مخاطبان قرار داده است؛ علی‌رغم این مجموعه که در کنار آثار قبلی و تولیدات مستقل هنرمندان درباره شهدای این مدرسه، اما همچنان روایت میناب در فضای فرهنگی کشور جای کار دارد و در آینده نیز می‌بایست بیشتر به آن پرداخته شود.

### سیده زینب حسینی

معرفتی از ساحت مقدس حضرت بقیه‌الله عاقلی شد و برای او فرقه‌ها و نسل‌ها انتظار کشید. خالی از لطف نیست چند قطعه کوتاه از این مجموعه را رزمزم کنیم:
۱) بگو تنهایی از غم غربت که کاست که نمی‌ای؟!
و خدا!
تو را در کسین کدام اتفاق پنهان کرد که عشق را همگان به دوش می‌کشند
و عاشق!
عاشق!
تنها نام مجنون می‌شود.
۲) در فصل دنیا! یک دروغ بود دقیقه‌های تو تو قرن بی‌تکلیف
عمرم! هزار کایوس
۳) یک نفر تویی که هیچ وقت بر نمی‌گردد! یک نفر هم من! که هیچ وقت بر نمی‌گرم تو از رفتنت! من! از نگاه به سمنی که تو رفتی...

نگاهی به کتاب «سپار سر هر ثانیه ما عاشق باشیم»

## قصیده‌ای سپید برای قرن‌ها انتظار

گذاشت و به طور مفصل درخصوص این نوع ویژگی اشعار سپید در اینجا سخن گفت. بر سه وجه متمایز این مجموعه نسبت به مجموعه‌های دیگر، می‌توان این نکته را هم به عنوان نکته چهارم اضافه کرد که گاهی از بعضی از قطعات، بیسان تصاویر انتزاعی و سوزناک نمایش هستند و برای درک میزانشن صحنه روبه‌رو توسط مخاطب، کلمات نیز به شکلی متفاوت در صحنه و سطرهای مختلف چیدمان شده‌اند تا او (مخاطب) حتی به حرکت و چرخش و صدا و لحن کلمات نیز احاطه داشته و تصویر براساخته از چیدمان را دریافت کند.

توجه عزیزالله محمدی به وجه عاشقانه انتظار و ابتلاات انسان در عصر حاضر و یادداشت‌های مختلف اشاره داشته که بعضی شعرهای او ادبی و بهره‌گیری از فلسفه انتظار در معنا و فهم منظور شاعر هستند که این عامل باعث می‌شود اشعار یک مجموعه که دارای یک موضوع واحد است، تداعی‌کننده یک قصیده بلند باشد و از همین رو با مقدمه‌ای که برای کتاب شعر خاتم زهرار فرزین نیز نگارش کرد نام مجموعه او را که در سال ۱۳۹۶ توسط انتشارات گلستان منتشر شد «قصیده سپید»

برای سرایش این اشعار در این قالب که گاه با فرم‌گرایی نیز همراه شده وچه تمایز دیگر این کتاب به سایر مجموعه‌های شناخته شده در این عرصه است. سوزمین نکته متمایز «سپار سر هر ثانیه ما عاشق باشیم» پیوستگی معنا، مفهوم، مضامین و موضوع کل مجموعه است که آن را دارای یک ویژگی خاص کرده؛ ویژگی که گاهی اشعار در قالب سپید و نو هستند؛ اما همانند یک قصیده بلند می‌شود کل کتاب را یک شعر عاشقانه در نظر گرفت و اگر انتقاطع نام قطعات و انتقاطع صفحات به وجود نیاید می‌توان سطر به سطر آن را با تصاویر پیوسته به هم دید که در نهایت انتظاری عاشقانه را بیان می‌کند.

توجه عزیزالله محمدی به وجه عاشقانه انتظار و ابتلاات انسان در عصر حاضر و یادداشت‌های مختلف اشاره داشته که بعضی شعرهای او ادبی و بهره‌گیری از فلسفه انتظار در معنا و فهم منظور شاعر هستند که این عامل باعث می‌شود اشعار یک مجموعه که دارای یک موضوع واحد است، تداعی‌کننده یک قصیده بلند باشد و از همین رو با مقدمه‌ای که برای کتاب شعر خاتم زهرار فرزین نیز نگارش کرد نام مجموعه او را که در سال ۱۳۹۶ توسط انتشارات گلستان منتشر شد «قصیده سپید»

چند منظر خارج از کم و کیف اشعار می‌تواند قابل توجه و در نوع خود بکر و بدیع باشد. نکته اول و حائز اهمیت و متمایز از سایر مجموعه اشعار و شعرا، تعداد قطعات این مجموعه است که این تعداد شعر از یک شاعر بر اساس تحقیقات و جست‌وجوهای که صورت گرفته تاکنون درخصوص یک موضوع سروده نشده و این اولین بار است که از یک شاعر این تعداد قطعه شعر برای ساحت مقدس آقا امام زمان(عج) سروده می‌شود که شاعر مجموعه در بخشی از مقدمه کتاب اشاره داشته که این تعداد نیز متعین از میان حدود سیصد قطعه بوده است.

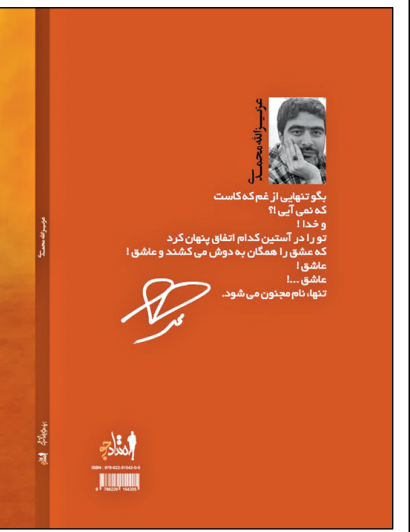
نکته دوم و بسیار قابل توجه و ادبی درخصوص این مجموعه قالب انتخابی شاعر برای سرایش این تعداد از اشعار «انتظار» و «مهدویت» است که همان‌گونه که اشاره شد در قالب سپید، نو و آزاد بوده و البته گاهی به سمت سطحیات نیز کشیده شده است.

آنچه که این موضوع (قالب اشعار) را در این مجموعه قابل توجه می‌کند، توجه مدامانه شاعر به سرایش اشعار در این قالب غیرمتعارف برای اشعار آئینی است که به طور معمول جهت اشعار اجتماعی و اعتراضی و یا عاشقانه به کار گرفته می‌شود و تعمد عزیزالله محمدی

شناسایی و معرفی نویسندگان جوان و نقلیم گام‌های مؤثری بردارد و در عرصه معرفی و زندگی‌نامه قهرمانان ملی معاصر و شهدای نیز اقدامات مؤثر با رویکرد مبارزه در قالب جنگ شناختی و ترکیبی در مقابل هجمه دشمنان بالاخص از جنگ ۱۲روزه به بعد داشته و در این مسیر کوشیده است تا با نگارش به فرهنگ ایرانی اسلامی و با شناسایی عناصر مختلف عملیات‌های روانی در فضای مجازی، آثار تولید شده خود را به صورت کاربردی و در راستای تقویت باورها و ارزش‌های ملی و میهنی و دینی در معرض جوانان و اهل فرهنگ و ادب قرار بدهد.

عزیزالله محمدی با ورود به مفاهیم مذهبی از جمله مفهوم انتظار و مهدویت در دفتر ۲۰۸ صفحه‌ای «سپار سر هر ثانیه عاشق باشیم» به عمق و کنه ادعیه و روایات و آیات مرتبط در این موضوع ظهور و تجلی امام عصر(عج) رنگ و بوی هنری و زبان شعری بخشیده تا علاوهبر انتقال مفاهیم مذکور با مخاطبین خود به زبانی مؤثر و غیر از زبان معمول منابر و سخنرانی گفت‌وگو کرده باشد.

بر اساس آنچه که در فهرست و مقدمه این کتاب آمده، این مجموعه مشتمل بر ۱۸۰ قطعه شعر سپید، آزاد و نو است که همین موضوع از



چندی است که عنوان کتاب «سپار سر هر ثانیه ما عاشق باشیم» در محافل و مجالس ادبی با خوانش بعضی از قطعات شعر آئینی و انتظار این مجموعه بر سر زبان‌ها افتاده و مورد استقبال اهالی ادبیات و حوزه فرهنگ قرار گرفته.

«سپار سر هر ثانیه عاشق باشیم» عنوان مجموعه‌ای است از عزیزالله محمدی، متخلص و «متنادجو» که در کمتر از یک‌سال پیش